

Study of the Evolutions of Lapse of Time in the Iran Criminal Law

Mohamad Ali Mahdavisabet¹

Jaber Beygi²

One of the most vital issues that must be considered for applying the regulations of lapse of time, is the beginning of this time through the crimes. Lapse of time beginning is the date determined by law, and lapse of time calculation for crime and penalties will begin from that date. The diversity of the crimes leads us put more attention for determining of this date. However, it is possible that lapse of time be interrupted due to any investigation measures, so the previous passed time may not be calculated during the new course. It is obviously on the contrary to lapse of time suspension through which the passed time before suspension may be calculated through the restart.

Recognizing lapse of time interrupting measures, their impacts, and suspending measures in regard with the evolutions of criminal law have been studied in this article. Research method is descriptive-analytical that gained by referring to legal-jurisprudential sources at libraries including books, dissertations and numerous articles. We have addressed this question whether the evolutions of lapse of time regulations could have resolved the increase of criminal cases at courts.

Keywords: Lapse of time, Lapse of time regulations, Lapse of time suspension, Lapse of time Interruption, Beginning of lapse of time

¹ Assistant Professor, Faculty of Law, Imam Sadiq University

ali@mahdavi.fr

² Master of Criminal Law and Criminology (Corresponding Author)

بررسی تحولات احکام مرور زمان در حقوق کیفری ایران

محمدعلی مهدوی ثابت*
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۶

جابر بیگی**
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

چکیده

مهمترین موضوعی که در اعمال مقررات مرور زمان باید به آن توجه داشت، مبدأ مرور زمان در جرائم و مجازات‌هاست. مبدأ مرور زمان تاریخی است که به موجب قانون تعیین می‌شود و از همان تاریخ محاسبه مدت مرور زمان بر جرم یا مجازات آغاز می‌گردد. با تنوع انواع جرائم، تعیین این تاریخ مستلزم دقت نظر بسیار است. در عین حال ممکن است مرور زمان بر اثر هر اقدام تعقیبی و تحقیقی قطع گردد لذا مدت قبلی نباید در احتساب مرور زمان جدید منظور شود برخلاف تعلیق مرور زمان که زمان سپری شده قبل از تعلیق، بابت مرور زمان قانونی احتساب خواهد شد. شناخت دقیق اقدامات قاطع مرور زمان و آثار قطع آن و در عین حال علل تعلیق مرور زمان با امعان نظر به تحولات قانون مجازات جدید از دیگر مباحث مطروحه در این مقاله می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده در این رساله توصیفی و تحلیلی است، که از طریق مراجعه به منابع فقهی - حقوقی موجود در کتابخانه‌ها، رساله‌های دکتری و مقالات در صدد بررسی این سوال هستیم که آیا تحولات نهاد مرور زمان توانسته مشکل تزیاید پرونده‌های کیفری رو حل و فصل نماید؟

واژگان کلیدی:

مرور زمان، احکام مرور زمان، تعلیق مرور زمان، انتقطاع مرور زمان، مبدأ مرور زمان

مقدمه

نهاد مرور زمان یکی از چالش برانگیزترین مباحث حقوقی - قضایی نظام حقوقی ایران بوده است که موافقان و مخالفان آن بسیار به بحث وجدل پرداخته‌اند. در نهایت با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این موضوع جایگاه مناسبی را به خود اختصاص داد که از جهات گوناگون دچار تغییرات گسترده‌ای شده است. با توجه به تحولات نهاد مرور زمان در ایران و تقنین نهاد مذکور در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در آثار حقوقی کمتر به آن توجه شده است.

شایان ذکر است در این تحقیق ما برآنیم که با تحلیل و بررسی تحولات احکام مرور زمان و تبیین کاستی‌های موجود با ارایه پیشنهادات علمی و کاربردی، گرهی از معضلات دستگاه قضایی کشور گشوده شود و هم چنین باعث رشد و اتقان بیشتر قانون در قانونگذاری بعدی شود. بر همین اساس، در این پژوهش، احکام مرور زمان مثل مبدأ، انقطاع و تعلیق مرور زمان و جزئیات مندرج در قانون جدید و تبیین ابهامات موجود در این قانون با در نظر گرفتن راهکارهای موجود در رویه قضایی مورد بحث قرار خواهد گرفت. روش تحقیق مورد استفاده در این رساله توصیفی و تحلیلی است، که از طریق مراجعه به منابع فقهی - حقوقی موجود در کتابخانه‌ها، رساله‌های دکتری و مقالات در پی پاسخ به این سوال هستیم که آیا تحولات نهاد مرور زمان توانسته از حجم پرونده‌های کیفری در محاکم بکاهد؟

۱. مبدأ مرور زمان کیفری

مرور زمان در لغت یعنی گذشت زمان یا انقضای مدت و در اصطلاح حقوقی، «مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که پس از آن از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوای عمومی و سرانجام اجرای مجازات امکان پذیر نیست» (آشوری، ۱۳۸۴، ص ۲۰۵)

مبدأ مرور زمان، تاریخی است که به موجب قانون تعیین می‌شود و از همان تاریخ محاسبه مدت مرور زمان بر جرم یا مجازات آغاز می‌گردد. در واقع مرور زمان از یک تاریخی شروع و در تاریخ دیگر به پایان می‌رسد و شروع اعمال مرور زمان را مبدأ

مرور زمان گویند. مبدأ مرور زمان به ماه و سال مورد محاسبه قرار خواهد گرفت. مبدأ مرور زمان تعقیب، روز بعد از وقوع جرم است پس اگر جرمی در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱ رخ داده باشد و مشمول مرور زمان سه ساله باشد، مرور زمان از تاریخ ۱۳۹۰/۱/۲ شروع می‌شود و ماه‌ها و سال‌ها نیز بر اساس مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، محاسبه می‌گردد. پس اگر مرور زمان، شش ماه باشد، باید ۱۸۰ روز محاسبه شود زیرا هر ماه، سی روز است و در مثال فوق، در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۵، دعوا مشمول مرور زمان می‌شود.

۱-۱-۱. تحلیل مبدأ انواع چهارگانه مرور زمان در قانون مجازات سال ۱۳۹۲

مطابق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، انواع مرور زمان عبارتند از: مرور زمان‌های شکایت، تعقیب، صدور حکم و اجرای حکم؛ که هر یک از آنها احکام خاص خود را در رابطه با مبدأ مرور زمان دارند.

۱-۱-۱. مبدأ مرور زمان شکایت

مرور زمان شکایت؛ گذشت مدتی است که شاکی یا وراث او در جرائم قابل گذشت حق دارند از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت خود را در مرجع قضایی مطرح کنند و الا شکایت آنان پس از مدت مذکور شنیده نمی‌شود. ماده ۱۰۶ ق.م.ا در تبیین این مرور زمان اشعار می‌دارد: «در جرائم تعزیری قابل گذشت، هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شکایت نکند حق شکایت کیفری از او ساقط می‌شود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت، مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد، هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات، حق شکایت دارد.

تبصره - غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می‌شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده ۱۰۵ این قانون، مشمول مرور زمان نشده باشد.»

مقررات ماده ۱۰۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که بازگشت قانونگذار به ماده ۴۸ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ است، فقط

در مورد جرائم قابل گذشت برقرار است و مبدأ این مرور زمان، تاریخ اطلاع متضرر از جرم است یعنی هر روزی که وی اطلاع پیدا کند، از فردای آن روز مرور زمان شروع می‌شود.

مدت شمول مرور زمان شکایت، یک سال از تاریخ اطلاع متضرر از جرم است. بنابراین تاریخ وقوع جرم ملاک این نوع مرور زمان نمی‌باشد بلکه تاریخ اطلاع از وقوع جرم معیار می‌باشد. در حالی که در قانون سابق، یعنی ماده ۴۸ ق.م.ع ۱۳۵۲ موعده شش ماه لحاظ شده بود که در مقام قیاس باید بگوییم به نظر می‌رسد با توجه مسأله تزیاید پرونده‌ها و عنایت به کافی بودن مدت شش ماه برای شاکی در جرائم قابل گذشت و تصمیم‌گیری راجع به شکایت از متهم یا گذشت از او، مهلت شش ماه قانون سابق با مصالح عمومی و شلوغی بیش از حد محاکم دادگستری سازگاری بیشتری دارد.

از آنجا که اصل بر عدم اطلاع متضرر از جرم می‌باشد، پس متهم باید تاریخ اطلاع متضرر از جرم را ثابت کند. البته معمولاً در این موارد به قرینه‌ها و امارات خارجی مراجعه می‌شود البته چنانچه شاکی یا متضرر از جرم تحت سلطه متهم بوده یا به هر علتی خارج از اختیار، نتواند شکایت خود را مطرح کند مثلاً وقوع زلزله یا اسارت یا مرضی که مانع حرکت وی شده باش، مبدأ مدت یک سال، از زمان رفع مانع محاسبه خواهد شد. (اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۶۶) و این حکم نسبت به ورثه شاکی مجری است.

در مواردی که متضرر از جرم قبل از انقضای مدت یک سال فوت نماید و دلیلی بر انصراف صریح یا ضمنی او از طرح شکایت در دست نباشد، تعقیب متهم از سوی وراثت وقتی جایز تلقی شده است که از تاریخ فوت بیش از شش ماه سپری نشده باشد. چنانچه متهم مدعی گذشت متوفی باشد، باید او گذشت را ثابت نماید و وراثت نمی‌تواند به استناد این که از فوت مورث بی‌اطلاع بودند، شش ماه را از تاریخ اطلاع از

فوت مورث مورد محاسبه قرار دهند. به نظر می‌رسد بر خلاف ظاهر ماده بهتر است مبدأ مرور زمان شکایت ورثه را تاریخ اطلاع ورثه از وقوع جرم پس از فوت بدانیم.

۲-۱-۱. مبدأ مرور زمان تعقیب

مرور زمان تعقیب که به مرحله قبل از شکایت و رسیدگی مربوط می‌شود عبارت است از: انقضای مدتی از وقوع جرم که دیگر امکان تعقیب متهم وجود ندارد. راجع به مرور زمان تعقیب ماده ۱۰۵ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده باشد...».

مرور زمان تعقیب از تاریخ وقوع جرم آغاز می‌شود یعنی مبدأ مرور زمان تعقیب در قانون جدید همانند قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ همان روزی است که جرم اتفاق افتاده است. ماده ۳۱ قانون استخدام قضات که مبدأ مرور زمان تعقیب انتظامی قضات را، تاریخ وقوع تخلفات تعیین نموده، موید این نظر است. باید یادآور شد که در صورت فقدان نص مخالف، روز ارتکاب جرم جزء مرور زمان به شمار نمی‌آید. (آخوندی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶)

۳-۱-۱. مبدأ مرور زمان صدور حکم

معنی مرور زمان صدور حکم که در قانون مجازات جدید با عنوان عام مرور زمان تعقیب آمده، این است که اگر از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعد مورد نظر به صدور حکم قطعی منتهی نشده باشد، تعقیب موقوف خواهد شد. در این زمینه ماده ۱۰۵ ق.م.ا اشعار می‌دارد: «مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای مواعد زیر به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد...».

به موجب ماده ۱۷۳ ق.ا.د.ک مصوب ۱۳۷۸، در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد و از تاریخ اولین اقدام

تعقیبی تا انقضای مواعد مشروحه ذیل به صدور حکم منتهی نشده باشد، تعقیب موقوف خواهد شد.

مرور زمان صدور حکم در قانون مجازات جدید برخلاف قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ که از تاریخ اولین اقدام تعقیبی مورد محاسبه قرار می‌گرفت، از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی محاسبه می‌شود. بنابراین مبدأ مرور زمان صدور حکم، تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی می‌باشد که این تحول مناسب با توجه به نقیصه اطلاع دادرسی در سیستم قضایی کشور، علاوه بر جلوگیری از کوتاهی مقامات انتظامی و قضایی، باعث عدم تضییع حقوق بزه دیدگان می‌شود. (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰) در پاره‌ای از موارد، تاریخ‌های خاصی برای مبدأ مرور زمان، تعیین شده است مثل مسأله اناطه موضوع تبصره ۲ ماده ۱۰۵ ق.م.ا.

قانون مجازات ۱۳۹۲، مبدأ مرور زمان را آخرین اقدام تعقیبی و تحقیقی دانسته است در حالی که قانون آیین دادرسی سابق فقط اقدام تعقیبی را مورد توجه قرار داده بود و اقدام تحقیقی را ذکر نکرده بود. البته به نظر می‌رسید منظور از اقدام تحقیقی مندرج در ماده ۱۷۳ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ مجموع اقدامات تعقیبی و تحقیقی باشد. مطابق قانون سابق با صدور حکم بدوی استناد به مرور زمان منتفی بود ولی در قانون مجازات جدید تا قبل از صدور حکم قطعی مرور زمان مجری است.

۴-۱-۱. مبدأ مرور زمان اجرای حکم

مرور زمان اجرای حکم که یکی از عوامل سقوط مجازات محسوب می‌شود عبارت است از گذشتن مدتی از صدور حکم قطعی یا قطع اجرای حکم قطعی که پس از آن از دیدگاه قانونی، اجرای مجازات امکان‌پذیر نیست. در این زمینه ماده ۱۰۷ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است...».

ماده ۱۷۴ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ که به واسطه ماده ۱۰۷ ق.م.ا نسخ ضمنی شده است، بدین شرح آمده بود: «در موارد مذکور در ماده قبل هرگاه حکم صادر گردیده ولی اجراء

نشده باشد پس از انقضای موارد مقرر در همان ماده از تاریخ قطعیت حکم، اجرای آن موقوف می‌گردد...».

در خصوص مبدأ مرور زمان اجرای حکم دو تاریخ اعلام شده است:

الف: تاریخ قطعیت حکم، برای مجازات‌هایی است که هنوز اجرا نشده‌اند.

ب: تاریخ توقف حکم، برای مجازات‌هایی است که حکم شروع به اجرا شده اما در

حین اجرا متوقف شده باشد. (عزیزی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸)

اگر اجرای مجازات با مانعی روبرو شود، از تاریخ رفع مانع، تاریخ مرور زمان شروع خواهد شد. هرچند قانونگذار سابق این موضوع را مسکوت گذاشته بود لیکن، تبصره یک ماده ۱۰۷ ق.م.ا. اشعار می‌دارد: «اگر اجرای تمام... مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می‌شود». اما اگر اجرای مجازات شروع اما به دلیلی که در اختیار محکوم نبوده اجرای مجازات متوقف شود، سپس مانع برطرف گردد، تاریخ شروع مرور زمان اجرای حکم، تاریخ رفع مانع خواهد بود. اگر چندین بار این امر واقع شود همین حکم جاری بوده و تاریخ شروع مرور زمان اجرای مجازات تاریخ رفع مانع غیرعملدی آخرین است که اجرای مجازات به واسطه آن قطع گردیده است. علیرغم سکوت قانونگذار سابق، مقنن در ماده ۱۰۸ ق.م.ا. مقرر فرموده است: «هرگاه اجرای مجازات، شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود، شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است...» هم چنین در تبصره یک ماده ۱۰۷ ق.م.ا. آمده است: «اگر اجرای... بقیه مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می‌شود.»

اگر مرتکب به علت دیگری محکوم به حبس باشد، پس از ختم محکومیت اولی او، محکومیت دومی او اجرا خواهد شد و مانع مذکور نمی‌تواند اجرای محکومیت دوم را مشمول مرور زمان قرار دهد. به موجب ماده ۱۱۰ ق.م.ا. «هرگاه در مورد یک شخص به موجب حکم یا احکامی محکومیت‌های قطعی متعدد صادر شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت‌ها، نسبت به دیگر محکومیت‌ها، قاطع مرور زمان است.»

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۲۴۴۷/۷ مورخ ۱۳۸۰/۳/۲۷ در این خصوص بیان داشته است: «چنانچه عدم اجرای حکم به جهت آن است که محکوم علیه به علت دیگری مشغول تحمل کیفر می‌باشد و مقرر شده است که پس از ختم آن مجازات این حکم درباره‌اش به مرحله اجراء درآید از شمول ماده ۱۷۴ مذکور راجع به مرور زمان عدم اجرای حکم خارج است...».

اگر محکوم از تعلیق اجرای مجازات و یا آزادی مشروط استفاده می‌کرده است ولی با ارتکاب جرم یا عدم تبعیت از دستور دادگاه باعث لغو قرار تعلیق و حکم آزادی مشروط شده باشد، مرور زمان از تاریخ لغو قرار یا حکم شروع خواهد شد و نه زمان صدور حکم و قرار. (الهام و برهانی، ۱۳۹۳، ص ۸۹) در این رابطه ماده ۱۱۱ ق.م.ا در تحولی مناسب اشعار می‌دارد: «در موارد تعلیق اجرای مجازات یا اعطای آزادی مشروط در صورت لغو قرار تعلیق یا حکم آزادی مشروط، مبدأ مرور زمان، تاریخ لغو قرار یا حکم است.»

ماده ۱۰۷ ق.م.ا زمان شروع مرور زمان در مجازات را تاریخ صدور حکم قطعی می‌داند اما یکی از موارد ابهام آن است که چند حکم غیابی صادر شده و به مرحله قطعیت برسد و محکوم علیه درخواست تجمیع آراء را بنماید و دادگاه صادرکننده آخرین رأی آنها را تجمیع کند. آیا مرور زمان از تاریخ صدور هر رأی است یا آخرین رأی یا زمانی که آراء تجمیع می‌شوند؟ ظاهراً باید زمان تجمیع آراء را مبدأ مرور زمان قرار داد زیرا احکام قبلی نقض شده و آثار خود را از دست می‌دهند، اما دیدگاه دیگری می‌گوید که مرور زمان از تاریخ قطعیت هر حکم آغاز می‌شود و نقض احکام و صدور رأی واحد مانع شروع و ادامه مرور زمان نسبت به آرای قطعیت یافته قبلی نخواهد بود. (زراعت، حاجی زاده و متولی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۲)

مطابق قسمت پایانی ماده ۱۰۸ ق.م.ا که مقرر می‌دارد: «...مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی‌شود.» اگر محکومی که مشغول تحمل کیفر است از زندان فرار کند، مرور زمان درباره او اعمال نمی‌شود. اما برخی از قوانین خارجی، نصف مدت مجازاتی را که اجرا شده است از مدت مرور زمان، ساقط می‌دانند یعنی اگر شخصی که به پانزده سال حبس محکوم شده و ده سال از مجازات خود را تحمل کرده است و مجازات وی

مشمول مرور زمان بیست ساله است فرار کند، پنج سال برای او محاسبه شده و پانزده سال از مرور زمان وی باقی می ماند که به نظر می رسد خلاء این موضوع در قوانین کیفری ایران احساس می شود. (زراعت، ۱۳۹۲، ص ۲۱۰)

۱-۲. تبیین مبدأ مرور زمان در جرائم بر اساس عنصر مادی

جرائم را می توان از جهات مختلف تقسیم بندی کرد. مثلاً از لحاظ عنصر مادی می توان جرم را به فوری، مستمر و به عادت و یا به دلیل بساطت و پیچیدگی به ساده و مرکب تفکیک نمود (نوربها، ۱۳۸۷، ص ۲۳۰) و همین تقسیم بندی منشأ تفاوت در مبدأ مرور زمان هر نوع می باشد. عدم تمییز بین جرائم مستمر، آنی، جرم به عادت و مرکب از کاستی های مقررات فعلی است. (لرستانی، ۱۳۹۲، ص ۴۴)

تفکیک دقیق جرایم از نظر محاسبه مبدأ مرور زمان در قانون نه ممکن است و نه ضروری و در این خصوص رویه قضایی با ملاحظه فلسفه وضع مرور زمان و اهداف آن، باید چگونگی اعمال آن را در جرایم مختلف تعیین نماید.

جرایم آنی جرایمی هستند که عنصر مادی آن از نظر زمان وقوع، قابل تجزیه نیست و در برهه ای از زمان اتفاق می افتند و نتیجه بلافاصله پس از وقوع جرم بدست می آید و جرم کامل می شود. (صانعی، ۱۳۷۱، ص ۳۷۵) سرقت، ضرب و جرح عمومی، توهین و بسیاری از جرایم در این گروه جای دارند. مدت مرور زمان جرایم آنی، روز پس از تاریخ وقوع جرم آغاز می شود.

قابل ذکر است در برخی از جرایم آنی مثل خیانت در امانت، ثبت ملک غیر و... تعیین تاریخ وقوع بزه، با مشکلاتی روبه رو شده است که رویه قضایی درصدد حل آنها برآمده است.

در جرم خیانت در امانت، مبدأ مرور زمان، تاریخ مطالبه مال مورد امانت و انکار امین است و نه تاریخ تودیع مال نزد امین. (۱) (باری، ۱۳۹۳، ص ۶۸) اما دیوان عالی کشور فرانسه در جرم خیانت در امانت حکم می کند که مبدأ مرور زمان در این جرم شروع نمی شود مگر بعد از انقضای مدت احضار مجرم و مبدأ مرور زمان تاریخ ودیعه گذاردن نیست. (لارگیه، ۱۳۷۸، ص ۱۹)

مبدأ مرور زمان جرم ثبت ملک غیر، از روزی شروع می‌شود که ملک به نام متقاضی در دفتر املاک ثبت می‌گردد نه تاریخ انقضای مدت اعتراض.

جرایم مستمر، جرایمی هستند که در طول زمان ادامه دارند و به طور دائم تجدید حیات می‌کنند به نحوی که تا قطع استمرار دائماً می‌توان فرد را در حال ارتکاب جرم دانست.

بر اساس ماده ۵۰ ق.م.ع ۱۳۵۲: «ابتدای مرور زمان تاریخ وقوع جرم و در مورد جرم مستمر تاریخی است که استمرار قطع شده است.» مثلاً در جرمی همانند مخفی کردن مال مسروقه که جرمی مستمر است، مبدأ مرور زمان، زمانی است که مال مسروقه از وی کشف شود و یا متهم دستگیر گردد.

مطابق پیش نویس لایحه جدید مجازات اسلامی، مرور زمان تعقیب در مورد جرم مستمر از تاریخ قطع استمرار مورد محاسبه قرار می‌گرفت. اما متأسفانه در بازنگری نهایی، این ماده قانونی حذف شده ولی محتوای آن منطبق با اصول حقوقی و قابل اعمال است. (ساک، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰)

جرم به عادت، جرمی است که عنصر مادی آن به دفعات تکرار می‌شود. مانند تکدی‌گری که با حداقل دو بار ارتکاب، عنصر مادی جرم محقق می‌شود. (نوربها، ۱۳۷۵، ص ۱۹۸) مطابق پیش نویس لایحه جدید مجازات اسلامی، مرور زمان جرم به عادت از تاریخی احتساب می‌شود که آخرین بار تحقق یافته است. لیکن در بازنگری نهایی این ماده قانونی حذف شده ولی محتوای آن منطبق با اصول حقوقی و قابل پذیرش است. بدین ترتیب در جرم تکدی‌گری، مرور زمان از تاریخی که متهم برای دومین بار مرتکب عمل بزهکارانه شده است، شروع می‌گردد، مشروط به اینکه هیچ یک از دفعات قبلی به تنهایی مشمول مرور زمان نشده باشد. (آشوری، ۱۳۸۴، ص ۲۱۲)

جرایم از نظر بساطت و پیچیدگی به ساده و مرکب تقسیم می‌شوند. جرم مرکب، جرمی است که در عین حالی که عنوان خاص دارد ولی از جرایم مستقل و متفاوت دیگری تشکیل می‌شود، مثل کلاهبرداری.

شروع مدت مرور زمان در جرایم مرکب از زمان ارتکاب آخرین عمل که عنوان جرم مرکب را بر افعال ارتکابی میسر می‌سازد، محاسبه می‌شود.

۲. انقطاع مرور زمان

انقطاع مرور زمان یعنی این که حادثه‌ای در مدت مرور زمان رخ دهد که اثر مدت قبل از حادثه را زایل کند به گونه‌ای که گویی مرور زمانی شروع نشده است و مرور زمان با مدت جدیدی شروع می‌شود و مدت قبلی به حساب نمی‌آید.

مرور زمان بر اثر عوامل مختلفی می‌تواند قطع شود و مدت قبلی مرور زمان قطع شده نباید در احتساب مرور زمان جدید منظور شود. قطع مرور زمان در قوانین قبل از انقلاب مقرر شده بود، در این باره ماده ۵۱ ق.م.ع مصوب ۱۳۵۲ مقرر کرده بود: «جریان مرور زمان به وسیله هر اقدام تحقیقی یا تعقیبی که توسط مقام صلاحیتدار به عمل آمده باشد اگر چه هنوز مرتکب معلوم نباشد قطع می‌گردد، مدت قبلی مرور زمان‌هایی که قطع شده به حساب آورده نمی‌شود.» اما پس از انقلاب حکم قطع مرور زمان به صراحت بیان نشده است و از ماده ۱۷۳ ق.آ.د.ک می‌توان قطع مرور زمان را استنباط کرد.

در این مبحث سعی بر آن است تا علاوه بر شناخت مفهوم انقطاع مرور زمان به بررسی تحولات صورت گرفته در مقوله علل انقطاع مرور زمان در انواع چهارگانه مرور زمان و اوصاف این انقطاع در قانون مجازات جدید پرداخته شود.

۲-۱. علل انقطاع مرور زمان

در اغلب کشورها نیز رویه قضایی، محدوده اقدامات قاطع مرور زمان را مشخص می‌کند، اما قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، راجع به جهات و عوامل انقطاع مرور زمان ساکت بود. همین رویه تا حدودی در قانون مجازات جدید اعمال شده است و به جز در موارد محدود مثلاً ماده ۱۱۰ ق.م.ا به صراحت از عوامل انقطاع مرور زمان صحبتی به میان نیاورده است ولی با مذاقه در مواد مربوط به انواع مرور زمان می‌توان این جهات را مشخص نمود. البته بهتر است این خلأ قانونی با یک ماده قانونی از سوی مقنن برطرف شود. در ادامه به اقدامات قاطع مرور زمان در هریک از انواع چهارگانه مرور زمان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ خواهیم پرداخت.

۱-۱-۲. اقدامات قاطع در مرور زمان شکایت

در مورد مرور زمان شکایت باید گفت که این مرور زمان به واسطه شکایت شاکی خصوصی یا وراث او و یا وکلای آنها در جرایم قابل گذشت، قطع می‌گردد. این مهم از ماده ۱۰۶ ق.م.ا. مستفاد می‌شود که مقرر می‌دارد: «در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری از او ساقط می‌شود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار قادر به شکایت نباشد که در این صورت، مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات، حق شکایت دارد.»

بدین ترتیب شکایت علاوه بر قطع، خاصیت انهدام مرور زمان را دارد. شکایت شاکی نزد مرجع قانونی صالح، قاطع مرور زمان است یعنی شکایت باید نزد مرجع قانونی مطرح و ثبت شده باشد تا بتوان زمان طرح شکایت را ثابت کرد. همین که شکایت مطرح شد، مرور زمان قطع می‌شود هر چند عملیات تعقیب ادامه پیدا نکند، منتهی شکایت مطرح شده، مشمول مرور زمان تعقیب و حکم خواهد بود یعنی اگر از این تاریخ زمان‌های مذکور در ماده ۱۰۵ ق.م.ا. منتهی به صدور حکم نشود، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد.

با تدقیق در متن ماده ۱۰۶ ق.م.ا. می‌توان بر این عقیده بود که اگر شاکی یا وراث تحت سلطه متهم بوده و یا به دلیلی خارج از اختیار قادر به شکایت نباشد مرور زمان قطع می‌شود. این امر ممکن است به کرات اتفاق بیفتد و منعی برای پذیرش انقطاع نامحدود در مرور زمان شکایت وجود ندارد. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که اقدامات قاطع مرور زمان شکایت عبارت از شکایت شاکی، سلطه متهم و قوه قاهره است.

۲-۱-۲. اقداماء قاطع در مرور زمان تعقيب

مطابق ماده ۱۰۵ ق.م.ا، مرور زمان، در صورتى تعقيب جرائم موجب تعزير را موقوف مى كند كه از تاريخ وقوع جرم تا انقضاء مواعد زير تعقيب نشده باشد. اصولاً تقاضاى تعقيب در مورد جرائم قابل گذشت با شاكى خصوصى و در جرائم غير قابل گذشت بر عهده مدعى العموم (دادستان) مى باشد، اگر اين افراد از زمان وقوع جرم تا انقضاء مواعد مرور زمان، تقاضاى تعقيب مجرم را نكرده باشند و در هر صورت اقدام تعقيبى آغاز نشده باشد، موضوع مشمول مرور زمان شده و تعقيب صورت نخواهد گرفت.

با امعان نظر به صدر ماده ۱۰۵ ق.م.ا مى توان گفت كه بعد از وقوع جرم، اولين اقدام تعقيبى كه از سوى مقام صلاحيتدار قانونى صورت مى گيرد، قاطع مرور زمان تعقيب مى باشد. در واقع با تعقيب متهم، مرور زمان تعقيب متنى مى شود. به همين دليل است كه عده اى از حقوقدانان معتقدند عليرغم اين كه قانونگذار انقطاع نامحدود در مرور زمان تعقيب را مسكوت گذاشته است اما به نظر مى رسد كه اصول تفسيرى قوانين كلفرى اقتضاى آن را دارد كه قطع مكرر مرور زمان در اين مورد پذيرفته نشود. (الهام و برهانى، ۱۳۹۳، ص ۱۸۴)

نكته حائز اهميت اين است كه قانون آيين دادرسى كلفرى ۱۳۷۸ در ماده ۱۷۳ مقرر كرده بود: «در جرايمى كه مجازات قانونى آن از نوع مجازات بازدارنده يا اقداماء تامينى و تربيتى باشد و از تاريخ وقوع جرم تا انقضاء مواعد مشروحه ذيل تقاضاى تعقيب نشده باشد... تعقيب موقوف خواهد شد.» يعنى صرف «تقاضاى تعقيب» براى قطع مرور زمان تعقيب كفايت مى كرد هر چند اقدام تعقيبى از سوى دستگاه قضا صورت نپذيرد. تقاضاى تعقيب مى تواند توسط شاكى يا حتى ضابطان دادگسترى از مقام قضائى درخواست شود.

حال آن كه در قانون مجازات جديد، «تعقيب متهم» و در واقع اولين اقدام تعقيبى مناط اعتبار قطع مرور زمان مى باشد كه به نظر مى رسد قانون جديد به متهم ارفاق بيشترى نموده است.

۳-۱-۲. اقدامات قاطع در مرور زمان صدور حکم

مطابق با ماده ۱۰۵ ق.م.ا معنی مرور زمان صدور حکم این است که اگر از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضاء مواعد مورد نظر به صدور حکم قطعی منتهی نشده باشد، تعقیب موقوف خواهد شد. بنابراین اقدامات تعقیبی و تحقیقی و صدور حکم قطعی از علل انقطاع مرور زمان صدور حکم محسوب می‌شوند که هریک از این علل در این قسمت تبیین می‌شود.

در مرور زمان صدور حکم، آخرین اقدام تعقیبی از علل انقطاع مرور زمان محسوب می‌شود. با این توضیح که در مفهوم خاص، معنای تعقیب جرم این است که دادستان با صدور کیفرخواست، از دادگاه جزایی درخواست تعیین مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی برای متهم می‌نماید. مفهوم واقعی تعقیب همین است. (آخوندی، ۱۳۸۷، ص ۷۵) در واقع آخرین اقدام تعقیبی که قاطع مرور زمان صدور حکم می‌باشد، همان صدور کیفرخواست برای متهم است. بنابراین اگر مرور زمان بعد از آخرین اقدام تحقیقی در جریان بوده و بعد از گذشت نصف مدت مرور زمان، آخرین اقدام تعقیبی که همان صدور کیفرخواست برای متهم است، رخ دهد، مرور زمان سابق قطع می‌گردد.

اولین اصل حاکم بر مرحله تحقیقات مقدماتی که در غالب نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است، اصل تفکیک مقام تعقیب (دادستان) از مقام تحقیق (بازپرس) است. ماده ۵۱ ق.م.ع مصوب ۱۳۵۲ اقدام تحقیقی را قاطع مرور زمان دانسته بود و در مقررات بعدی این عبارت به طور کلی حذف شد و مقنن در ماده ۱۷۳ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ فقط از «اقدام تعقیبی» نام برده بود. بنابراین قانون نسبت به اقدام تحقیقی ساکت بود اما قانون مجازات جدید در ماده ۱۰۵ اقدامات تحقیقی را در کنار اقدامات تعقیبی از علل انقطاع مرور زمان دانست.

به موجب تبصره ماده ۹۰ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضائی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.» بنابراین با ملحوظ نظر قرار دادن ماده فوق‌الاشعار و تبصره یک ماده ۱۰۵ ق.م.ا تحقیقات مقدماتی عبارت است از مجموعه اقدامات بازپرس و سایر

مقامات قضائی است که در اجرای یک وظیفه قانونی مواردی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی، نیابت قضائی، اخذ احضارات شاکی و متهم و هر نوع اقدامی که در جهت کشف جرم و کسب ادله جرم و شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم واقع می‌شود. اقدامات تحقیقی که توسط مقام ذیصلاح صورت می‌گیرد، قاطع مرور زمان صدور حکم می‌باشند. هر چند به ضابطان دادگستری محول شده باشد. اما اقدام کارشناس را نمی‌توان قاطع مرور زمان دانست. هم‌چنین دستور کلی دادستان مبنی بر رسیدگی به پرونده‌ها، قاطع مرور زمان نیست. (شیر محمدی، ۱۳۹۳، ص ۶۸) بدین ترتیب قطع بی‌حد و مرز مرور زمان بوسیله هر اقدام تحقیقی یا تعقیبی، طبق ماده ۱۰۵ ق.م.ا پذیرفته شده است.

به موجب ماده ۱۰۵ ق.م.ا که اشعار می‌دارد: «مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که... از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد...» صدور حکم قطعی، قاطع مرور زمان است که در واقع با این امر نهاد مرور زمان سالبه به انتفاء موضوع می‌شود. نباید فراموش کرد که ممکن است نتیجه پرونده، صدور قرار باشد و از این جهت کلمه حکم در عبارت ماده ۱۰۵ ق.م.ا صحیح نیست گرچه اگر قرار نهایی صادر شده باشد تعقیب پایان یافته تلقی می‌گردد. (زراعت، حاجی زاده و متولی، ۱۳۸۳، ص ۵۲۲) مطلب مهم در این مبحث این است که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، اطلاق «صدور حکم» در ماده ۱۷۳، مشتمل بر حکم بدوی و حکم قطعی بود، یعنی با صدور حکم بدوی، مرور زمان صدور حکم قطع می‌شد. حال آن که ماده ۱۰۵ ق.م.ا «صدور حکم قطعی» را مناط انقطاع مرور زمان صدور حکم می‌داند. مفهوم آن این است که حتی اگر حکم غیر قطعی هم صادر شود، قاطع مرور زمان نیست. در تبیین این تفاوت باید بگوییم این مزیت قانونی باتوجه به فرآیند طولانی بودن دادرسی در نظام کیفری ایران با قابل نقد است و بهتر است صرف صدور حکم بدوی قاطع مرور زمان شناخته شود.

۴-۱-۲. اقدامات قاطع در مرور زمان اجرای حکم

با مراجعه به مواد مربوط به مرور زمان اجرای حکم خصوصاً ماده ۱۰۸ ق.م.ا می توان بر این عقیده بود که انقطاع نامحدود مرور زمان اجرای حکم مورد پذیرش مقنن قرار گرفته است. عواملی مختلفی را می توان برشمرد که قاطع مرور زمان اجرای حکم محسوب می شوند.

زمانی که اجرای مجازات آغاز می شود، مرور زمان آن مجازات قطع می شود و اگر اجرای مجازات به دلایلی متوقف گردد، مرور زمان جدید از زمان توقف اجرای مجازات آغاز می گردد، اما مرور زمان قبلی به حساب نمی آید. صرف دستور اجرای حکم از طرف مقام صالح قضایی قاطع مرور زمان نبوده و تنها شروع به اجرای واقعی و عملی حکم صادره است که مرور زمان مجازات را قطع می نماید.

قانونگذار حتی مرور زمان مجازات را نیز امری مطلق محسوب نموده است و شروع به اجرای مجازات در مورد برخی از شرکا یا معاونان را قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان دانسته است. در این رابطه ذیل ماده ۱۱۲ ق.م.ا مقرر می دارد: «...شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکا یا معاونان جرم، قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است.»

در جرائم قابل گذشت با اعلام گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای حکم قطع و متوقف می شود که در این صورت به دلیل انتفاء موضوع، بحث از اجرای مرور زمان هم منتفی می گردد.

به موجب ماده ۱۰۸ ق.م.ا هرگاه اجرای مجازات شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود، شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی شود. بنابراین رفتار عمدی محکوم می تواند باعث قطع مرور زمان اجرای حکم باشد.

هم چنین منظور از عبارت «به هر علت قطع شود» این است که قطع اجرای مجازات به صورت قانونی باشد و نه غیرقانونی مثل فرار متهم که اصلاً مشمول مرور زمان نخواهد بود.

ماده ۱۰۸ ق.م.ا یکی از نوآوری‌های قانون جدید می‌باشد که برای اولین بار پس از انقلاب وضعیت نهاد مرور زمان را پس از اجرای مجازات و انقطاع ناگهانی آن پیش‌بینی نموده است. (حق پناهان، ۱۳۹۳، ص ۹۲) قسمت اخیر این ماده که پیش از این در مقررات کیفری سابقه نداشته، برخلاف فلسفه مرور زمان که مبتنی بر فراموشی خاطره جرم ارتكابی است، محکوم‌علیه را به دلیل رفتار عمدی خود که سبب قطع اجرای مجازات گردیده از مزایای مرور زمان محروم کرده است مانند فرار محکوم‌علیه از زندان. در این مثال، اجرای مجازات حبس هیچ‌گاه با گذشت زمان ساقط نمی‌گردد ولی تعقیب محکوم‌علیه به اتهام فرار ممکن است مشمول مقررات مرور زمان تعقیب شود. در ماده مذکور به رفتار عمدی محکوم‌علیه اشاره شده است. بنابراین، هرگاه ثابت شود که قطع اجرای مجازات بر اثر رفتار سهوی و خطای محکوم‌علیه و یا عوامل قهری بوده است، مشمول حکم این ماده قرار نمی‌گیرد. (اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶)

یکی از مسائل مبتلابه در بحث مرور زمان این است که ممکن است شخصی به دو یا چند محکومیت کیفری در یک برهه زمانی محکوم شود. حال این سوال پیش می‌آید که ایام تحمل کیفر اول قاطع مرور زمان اجرای حکم دوم می‌شود یا نه؟ قانونگذار سابق در این رابطه ساکت بود، اما قانون مجازات ۱۳۹۲ با تحولی مناسب به به این سوال پاسخ داده است. بدین ترتیب به موجب ماده ۱۱۰ ق.م.ا: «هرگاه در مورد یک شخص به موجب حکم یا احکامی، محکومیت‌های قطعی متعددی صادر شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت‌ها نسبت به دیگر محکومیت‌ها، قاطع مرور زمان است.» به نظر می‌رسد تفاوتی وجود ندارد بین اینکه فرد محکوم به مجازات‌های متعدد در یک دادنامه باشد یا محکوم به مجازات‌های متعدد در چند دادنامه از مراجع مختلف. (عزیزی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶)

۲-۲. اوصاف انقطاع مرور زمان

انقطاع مرور زمان، اوصافی دارد که شناخت آن در فهم بهتر مرور زمان موثر است. راجع به اوصاف مرور زمان در قانون سابق نصی وجود نداشت، اما قانون جدید تا حدودی این خلأ قانونی را مرتفع نموده است.

از مهمترین اوصاف انقطاع مرور زمان آن است که زمان قبلی بی‌اثر می‌شود و مرور زمان جدیدی با همان مدت آغاز می‌گردد. این موضوع از مهمترین تفاوت‌های انقطاع و تعلیق مرور زمان است.

انقطاع مرور زمان اثر عینی دارد (زراعت، ۱۳۸۲، ص ۶۶) یعنی مؤثر در عین دعواست. بنابراین نسبت به تمامی اشخاصی که دعوا متوجه آنان است، اثر دارد هرچند مورد شناسایی قرار نگرفته یا در عوامل قطع مرور زمان، دخالت نداشته باشند و نیز توصیفی که از جرم به عمل آمده است اهمیت ندارد بلکه واقعه مادی آن مورد نظر است. ماده ۱۱۲ ق.م.ا اشعار می‌دارد: «قطع مرور زمان، مطلق است و نسبت به کلیه شرکاء و معاونان اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشد، اعمال می‌شود هرچند تعقیب فقط درباره یکی از آنها شروع شده باشد. همچنین شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکاء یا معاونان جرم، قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است.»

انقطاع مرور زمان فقط نسبت به جرایم موضوع اقدامات قاطع مرور زمان اثر دارد و شامل جرایم دیگر نمی‌شود، مگر جرایمی که با جرم مزبور ملازمه داشته باشند. مانند جرم جعل و استفاده از سند مجعول یا جرم سرقت و مخفی کردن مال مسروقه. در ضمن قطع مرور زمان علاوه بر دعوای عمومی به دعوای خصوصی نیز قابل تسری است و کلیه زیان دیدگان از جرم از آن بهره‌مند می‌گردند. (آشوری، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵)

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، نصی درباره انقطاع محدود یا نامحدود وجود ندارد ولی با دقت در ماده ۱۷۳ این قانون، می‌توان گفت که در مرور زمان تعقیب قطع مرور زمان به کرات مانع قانونی ندارد زیرا ماده مزبور مقرر می‌دارد: «...از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد مشروحه ذیل تقاضای تعقیب نشده باشد...» اما در مرور زمان صدور حکم، مرور زمان را بیش از یک بار نمی‌توان قطع کرد زیرا مقنن در این باره مقرر می‌دارد: «...از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعد مذکور به صدور حکم منتهی نشده باشد.» پس در صورتی که اولین اقدام تعقیبی شده باشد، دیگر بعد از آن قطع مرور زمان امکان ندارد. در قانون مجازات جدید، انقطاع نامحدود مرور زمان در بسیاری از موارد مورد پذیرش واقع شده است که در مطالب سابق مورد اشاره قرار گرفت.

۳. تعلیق مرور زمان

تعلیق مرور زمان به معنای آن است که مرور زمان برای مدتی که سبب تعلیق وجود دارد، معلق می‌شود و این در مواردی است که تعقیب جرم یا اجرای مجازات با مانعی روبرو شود و تا رفع مانع، تعقیب و اجرا معلق می‌مانند. (آشوری، ۱۳۸۰، ص ۱۹۲) تبصره اول ماده ۱۰۷ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می‌شود.»

۳-۱. عوامل تعلیق مرور زمان

جریان مرور زمان ممکن است با حدوث عواملی تعلیق شود. عللی که موجب تعلیق مرور زمان می‌شود را می‌توان به دو دسته کلی حقوقی و عملی تقسیم کرد که هر یک مصادیقی را شامل می‌شود.

۳-۱-۱. عوامل حقوقی تعلیق مرور زمان

عوامل حقوقی یا قضایی تعلیق؛ عبارت از علل و عواملی است که از ضوابط قانونی کشور برای نهاد تعقیب جهت پیگرد افراد، ناشی می‌شود و توانایی تعقیب مجرم را از دستگاه قضایی سلب می‌کند. مصادیق این علل حقوقی تعلیق عبارتند از:

الف. قرار اناطه

اناطه به معنای توقف رسیدگی و اظهارنظر یک دادگاه بر اثبات امر دیگری در دادگاه دیگری تعریف شده است. هم چنین با لحاظ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ منظور از قرار اناطه بدان معنی است که «هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست و در صلاحیت دادگاه حقوقی است با تعیین ذی نفع و با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود. در این صورت، هرگاه ذی نفع ظرف یک‌ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر موجه به دادگاه

صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد، مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

تبصره ۳- مدتی که پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود، جزء مواعد مرور زمان محسوب نمی‌شود.»

تبصره ۲ ماده ۱۰۵ ق.م.ا در اقدامی ابتکاری نسبت به قانون سابق، رسماً قرار اناطه را عامل تعلیق مرور زمان صدور حکم دانسته و حکم آن را چنین بیان کرده است: «در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب (همان صدور حکم نگارنده) از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است شروع می‌شود». البته باید یاد آور شویم که ماده ۱۳ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ دربرگیرنده مضمون تبصره فوق‌الذکر بود. برای مثال، در جرمی مانند افتراء که منوط به تعیین تکلیف در مورد انتساب جرم است، رسیدگی به جرم افتراء امکان قانونی ندارد. بنابراین تا تعیین تکلیف صحت و سقم انتساب عمل مجرمانه توسط محکمه دیگر، مرور زمان تعلیق می‌شود.

ب. جنون

یکی دیگر از عوامل تعلیق مرور زمان، جنون مرتکب جرم می‌باشد. جنون در فروض مختلف احکام متفاوتی دارد. نخست؛ جنون حین ارتکاب جرم، از عوامل رافع مسئولیت کیفری تلقی شده و (به تاسی از ماده ۲۰۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲)، اصدار قرار موقوفی تعقیب ضروری است. (آخوندی، ۱۳۶۷، ص ۲۴۹)

دوم؛ قانونگذار جنون پس از ارتکاب جرم تا قبل از صدور حکم را از موانع تعقیب دعوی عمومی دانسته و در این وضعیت، اجرای تحقیقات و در نتیجه دعوی عمومی به حالت تعلیق در می‌آید و پس از بهبودی کامل متهم، تعقیب و رسیدگی مسیر عادی خود را طی خواهد نمود. در این خصوص تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ آورده است: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای

وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.» فرض دوم ماده فوق، یعنی «مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند» از نوآوری‌های قانون جدید نسبت به قانون سابق یعنی ماده ۶ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ می‌باشد. هم‌چنین به موجب تبصره یک ماده ۱۵۰ ق.م.ا، در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناسی دارد مانند قصاص و دیه و هم‌چنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.

سوم؛ جنون متهم بعد از صدور حکم قطعی است که طبق قوانین موضوعه کیفری ایران خصوصاً تبصره ماده ۱۵۰ ق.م.ا در جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه، جنون محکوم علیه موجب سقوط مجازات نیست. اما در خصوص مجازات‌های تعزیری، برخلاف قانون سابق (۲) به موجب ماده ۵۰۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، هرگاه محکوم‌علیه در جرایم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد. تبصره یک ماده ۱۰۷ ق.م.ا در این خصوص اشعار می‌دارد: «اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می‌شود.»

ج. بیماری

یکی دیگر از مصادیق ماده ۱۰۷ ق.م.ا بیماری مرتکب است. بیماری همانند جنون می‌تواند در مراحل مختلف دادرسی کیفری به تعلیق مرور زمان بینجامد. بیماری ممکن است بعد از صدور حکم قطعی و یا در اثناء اجرای مجازات رخ دهد که مطابق با ماده ۵۰۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، هرگاه محکوم‌علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری پس از احراز بیماری محکوم‌علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر

دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند.

در ضمن هرگاه حین اجرای مجازات، بیماری حادث شود و تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور توقف اجرای آن، طبق مقررات این ماده اقدام می‌کند.

پاره‌ای از علل تعلیق اجرای مجازات که به نوعی مرتبط با مقوله بیماری است را مقنن در ماده ۵۰۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ آورده است. به موجب این ماده: «اجرای مجازات در موارد زیر به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد:

الف- دوران بارداری

ب- پس از زایمان حداکثر تا شش ماه

پ- دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی

ت- اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه ...».

۲-۱-۳. عوامل عملی تعلیق مرور زمان

علل عملی تعلیق، همان قوه ی قهریه هستند. مانند عوامل خارجی از قبیل وقایع طبیعی (مثل زلزله، سیل، آتشفشان و...)، اشغال نظامی، جنگ و... که وضع عادی زندگی افراد را در اجتماع مختل می‌سازند.

آیا قوه قاهره را می‌توان جزء عوامل تعلیق مرور زمان قرار داد؟ در قانون ایران با توجه به سکوت قانون گذار دو احتمال را می‌توان مطرح کرد: نخست؛ آن است که این عوامل، مرور زمان را متوقف نمی‌کنند، زیرا وقتی مرور زمان آغاز شد توقف آن نیاز به دلیل دارد و دلیل هم باید صراحتاً در قانون بیان شود و اگر حادثه ای رخ داد که در قابلیت آن برای تعلیق شک داشتیم اصل آن است که مرور زمان را معلق نکند و مرور زمان به وجود آمده استصحاب گردد.

دوم؛ آن است که این عوامل را می‌توان عوامل توقف مرور زمان دانست، زیرا عوامل مصرح قانونی عوامل انحصاری نیست و جنبه تمثیلی دارد و دادگاه‌ها باید به ملاک قانونی توجه نمایند و عدالت نیز حکم می‌کند هرگاه تعقیب به هر دلیلی ممکن

نباشد، مرور زمان متوقف شود. وانگهی مرور زمان یک نهاد خلاف قاعده و استثنائی است و باید دامنه آن را محدود کرد و از طرفی این دیدگاه با موازین شرعی و فقهی نیز سازگار است، زیرا بیش تر فقها مرور زمان را نامشروع می دانند. بنابراین جز در مواردی که عدم تعقیب جرم به خاطر قصور دستگاه قضائی و عدم شکایت مجنی علیه بوده است، عوامل قهری نیز عامل تعلیق مرور زمان هستند. البته این عوامل در صورتی از علل تعلیق مرور زمان محسوب می شوند که دستگاه عدالت کیفری را از کار انداخته و دیگر دادگاه ها قادر به انجام وظایف محوله نباشند.

۲-۳. اوصاف تعلیق مرور زمان

تعلیق مرور زمان دو وصف مهم دارد نخست؛ مرور زمان در مدت تعلیق جریان ندارد، اما مدت قبلی به حساب می آید و کامل کننده ی مدت بعدی است. قانونگذار همانند قانون سابق تصریحی بر احتساب مدتهای سپری شده مرور زمان قبل از تعلیق و بعد از تعلیق ندارد و به جاست که در قانونگذاری بعدی این خلأ قانونی برطرف شود، اما در این مورد نیز بایستی به عمومات راجع به تعلیق مرور زمان عمل و زمان های پیش از تعلیق را جزء مرور زمان محاسبه نمود.

دوم؛ تعلیق مرور زمان بر خلاف قطع مرور زمان اثر شخصی دارد یعنی فقط نسبت به شخصی اثر دارد که مرور زمان نسبت به وی معلق گردیده است و تعقیب نسبت به شریک یا معاون جرم ادامه می یابد. ایرادی که در این جا متوجه قانونگذار می باشد این است که همان گونه که مقنن در ماده ۱۱۲ ق.م.ا به مطلق یا عینی بودن اثر قطع مرور زمان تصریح نموده است، می بایست به شخصی بودن اثر تعلیق مرور زمان تصریح می کرد.

نتیجه گیری

پس از مذاقه و تحلیل تحولات صورت پذیرفته در ماهیت، مبانی، قلمرو، احکام، انواع و مواعد مرور زمان کیفری در ایران، نتایج ذیل حاصل می گردد:

۱. بر خلاف قانون سابق که در مرور زمان، آثار تبعی حکم به قوت خود باقی بود اما طبق قانون مجازات جدید، مرور زمان در برخی جرائم موجب امحای آثار

محکومیت نمی‌شود و در صورت ارتکاب مجدد جرم با رعایت مقررات تکرار جرم برای مرتکب تعیین مجازات می‌گردد و در برخی دیگر اثر تبعی مشمول مرور زمان می‌شود.

۲. مدت مرور زمان تعقیب کوتاه‌تر از مدت مرور زمان اجرای حکم است، چون در صورت نخست، معلوم نیست که تعقیب متهم منتهی به محکومیت وی شود و شاید برائت حاصل کند، اما در صورت دوم، مجرمیت محکوم علیه به صورت قطعی مشخص شده است و شکی در آن وجود ندارد. این اصول علمی در بر خلاف قانون سابق در قانون مجازات جدید رعایت شده است.

۳. افزایش مدت مرور زمان شکایت برای متضرر از شش ماه مندرج در ماده ۴۸ ق.م.ع ۱۳۵۲ به مدت یک سال در ماده ۱۰۶ ق.م.ا با توجه مسأله تزیاید پرونده‌ها و عنایت به کافی بودن مدت شش ماه برای شاکی در جرائم قابل گذشت و تصمیم‌گیری راجع به شکایت از متهم یا گذشت از او، توجیه کاربردی ندارد.

۴. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ ملاک اعمال مرور زمان «صدور حکم» بود، در حالی که به موجب ماده ۱۰۵ ق.م.ا «صدور حکم قطعی» ملاک است. این بدان مفهوم است که حتی اگر حکم غیر قطعی هم صادر شود، قاطع مرور زمان نیست. در تبیین این تفاوت باید بگوییم که به نظر می‌رسد مقنن در قانون جدید در این مقوله بیش از حد انتظار به مجرم ارفاق کرده است، در حالی که دستگاه قضایی با تحمل زحمت فراوان، مجرم را در آستانه مجازات قرار داده است و با صدور حکم بدوی معمولاً صدور حکم قطعی نیازمند مدت زمان زیادی نمی‌باشد، به یکباره تمام تلاش‌ها را نادیده گرفته و پرونده از چرخه عدالت کیفری خارج کرده است بنابراین به نظر می‌رسد اکتفا به صدور حکم بدوی همانند قانون سابق مناسب تر باشد.

۵. مرور زمان صدور حکم در قانون مجازات جدید برخلاف قانون سابق که از تاریخ اولین اقدام تعقیبی مورد محاسبه قرار می‌گرفت، از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی محاسبه می‌شود. این تحول مناسب با توجه به نقیصه اطاله دادرسی در سیستم قضایی کشور، علاوه بر جلوگیری از کوتاهی مقامات انتظامی و قضایی، باعث عدم تضییع حقوق بزه‌دیدگان می‌شود.

۶. رعایت تناسب بین مجازات‌ها و مرور زمان آن‌ها با امعان نظر به اصل مرور زمان طولانی‌تر در مجازات سنگین‌تر، بارزترین تحول قانون جدید محسوب می‌شود.

۷. عدم تمییز بین جرائم آنی، مستمر، استمرار یافته، جرم به عادت و مرکب و عدم تصریح مبدأ مرور زمان آنها، از کاستی‌های مقررات فعلی است. در حالی که این موضوع در لایحه قانون مجازات ذکر شده بود ولی متأسفانه در بازنگری نهایی، این ماده قانونی حذف گردید.

یادداشت‌ها

(۱) رأی شماره ۱۸۰۲ مورخ ۱۳۱۹/۶/۱۹ شعبه ۲ دیوان عالی کشور

(۲) ماده ۲۸۹ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸: «جنون بعد از صدور حکم...موجب سقوط مجازات‌های تعزیری نمی‌باشد.»

کتاب‌نامه

۱. اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، تهران: میزان
۲. آخوندی، محمود (۱۳۸۸)، آیین دادرسی کیفری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱
۳. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری (۱۳۶۷)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ج ۱، چ ۱
۴. سبزواری نژاد، حجت (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، تهران: جنگل، جاودانه، ج ۲
۵. عزیزی، امیر مهدی (۱۳۹۲)، شرح قانون مجازات عمومی بخش کلیات حقوق جزای عمومی ۱، ۲، ۳، تهران: مجلد،
۶. زراعت، عباس، حاجی‌زاده، حمیدرضا، متولی جعفرآبادی، یاسر (۱۳۸۳)، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، تهران: خط سوم
۷. زراعت، عباس (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی ۳، مجازات‌ها و اقدامات تأمینی بر اساس قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، تهران: جنگل، ج ۲

۸. نوربها، رضا(۱۳۷۵)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات کانون وکلای دادگستری، چ ۱
۹. نوربها، رضا(۱۳۸۹)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: نشر کانون وکلای دادگستری مرکز، چ ۱
۱۰. صانعی، پرویز(۱۳۷۱)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش، ج ۱
۱۱. باری، مجتبی(۱۳۹۳)، یادداشت‌هایی بر قانون مجازات اسلامی(مصوب ۱۳۹۲)، تهران: کتاب آوا
۱۲. الهام، غلامحسین، برهانی، محسن(۱۳۹۳)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی : واکنش در برابر جرم، تهران: میزان
۱۳. ساکی، محمد رضا(۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی (با لحاظ قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اصلاحات تجدیدنظر کلی)، تهران: جنگل
۱۴. آشوری، محمد(۱۳۸۰)، آیین دادرسی کیفری، تهران: سمت، ج ۱
۱۵. آشوری، محمد(۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، تهران: سمت، ج ۱، چ ۹
۱۶. لارگیه، ژان(۱۳۷۸)، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی، تهران: گنج دانش،
۱۷. جوانمرد، بهروز(۱۳۸۹)، فرآیند دادرسی در حقوق کیفری ایران، تهران: بهنامی، چ ۱
۱۸. حق پناهان، عباس(۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل حقوقی و جرم‌شناختی قانون مجازات اسلامی (در نظم حقوقی نوین)، تهران: جاودانه، جنگل
۱۹. شیرمحمدی، اصغر(۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی مطابق با قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تهران: جاودانه، جنگل
۲۰. مصدق، محمد(۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، تهران: جنگل، جاودانه